■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۲۱ ■ یکشنبه ■ ۳۰ آذر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۲ | اذان مغرب ۱۷/۱۵ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۷ | اذان صبح فردا ۵/۴۱ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۱

سخن روز

امام علی (ع): خوشبخت‌ترین مردم در دنیا کسی است که از آنچه می‌داند برایش زیان‌آور است دوری کند و بدبخت‌ترین آنان کسی است که از هوای نفس خود پیروی کند.
وقعه صفین (نصربن مزاحم) ص۱۰۸

بابک ریاحی‌پور: از طریق فضای مجازی با عزیزانمان جشن بگیریم

با توجه به شرایط خاصی که در تمام دنیا بر اثر عالم‌گیری ویروس کووید ۱۹ حاکم شده، شاهد هستیم که دنیای مجازی تا چه میزان به شرط بهره‌برداری درست از آن مفید فایده بوده است. ما در شرایطی به سر می‌بریم که حفظ فاصله اجتماعی و دوری از اجتماعات غیرضروری مصداق بارز احساس مسئولیت و محبت ما به عزیزانمان است چرا که رعایت فاصله اجتماعی در حقیقت مصون نگاه داشتن عزیزانمان از خطر ابتلا به این ویروس منحوس و خطرناک است. از همه می‌خواهم با رعایت شیوه نامه‌های بهداشتی و قدری صبر و تحمل امسال شب یلدا را از طریق فضای مجازی با عزیزانمان جشن بگیریم و به خاطر چند ساعت دورهمی، عمری دچار عذاب وجدان و تحمل درد فراق عزیزانمان نشویم و به عبارتی در شب یلدا مرگ را به عزیزانمان هدیه ندهیم.

بخشی از صحبت‌های نوازنده و آهنگساز در مورد فضای مجازی و شب یلدا با ایرنا

یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن
وین سر شوریده بازآید بسامان غم مخور

حافظ

نگاره

احسان نوری نجفی

یلدای متفاوت امسال

#پرسپولیس #فردوسی- پور

هشتگ

دیروز هر چه به ساعت بازی تیم‌های پرسپولیس و اولسان کره جنوبی نزدیک شدیم، نوشته‌های کاربران ایرانی و بخصوص پرسپولیسی‌ها درباره این تیم و آرزوی قهرمانی برایش بیشتر شد. در کنار این نوشته‌ها و پا به پای آن هشتگ عادل فردوسی‌پور زده می‌شد که به استقبال گزارش بازی با صدای فردوسی‌پور از صفحه فارسی AFC می‌رفتند. بالا رفتن بی‌سابقه فالوئرهای این صفحه مسأله‌ای بود که کاربران زیادی به آن اشاره می‌کردند هرچند که مخالفان فردوسی‌پور از این که این فالوئرها روبات هستند، می‌نوشتند: «چه ۲۹ آذری بشه امروز»، «نام من؟ سرخ!»، «به نظرم دعوت از عادل فردوسی‌پور یکی از بزرگترین پروژه‌های مارکتینگیه که کنفدراسیون فوتبال آسیا تا حالا اجرا کرده.»، «امروز میرن از چند تا صفحه بدون عکس اینستاگرامی که پیج ای اف سی فارسی رو فقط دنبال کردند، گزارش رسانه‌ای در میارن برای همه بخش‌های خبری؛ کارآگاهان خبرنگار.»، «عادل فردوسی‌پور نماد است. نماد حذف شایسته‌سالاری و کارآمدی‌ست که هزینه زیادی روی دست کشور گذاشته.»، «خدایا مردم سرزمین من نیاز بیشتری به این شادی دارن؛ پس تو هم امروز پرسپولیسی باش»، «درست از همون بازی نیمه نهایی شرق، استرسم شروع شد ولی الان دیگه مهم نیست چون به دلم افتاده که این بازی برای ماست. تصور کن که پایان بازی، صدای این مرد رو می‌شنویم که داره فریاد میزنه: چقدر خوبیم ما»، «با این‌که پرسپولیس رقیب سنتی استقلاله و علی‌القاعده باید دوست داشته باشم تو هر بازی ببازه، با این‌که یه سری از پرسپولیسی‌ها به‌شدت بی‌منطق و روی اعصابن، با این‌که می‌دونم تا مدت‌ها قراره کری بخونن برامون، با این حال وقتی فکر می‌کنم با برد امروز پرسپولیس چقدر آدم خوشحال می‌شن، آدم‌هایی که می‌دونم الان چه حسی دارن و دل تو دل‌شون نیست، آدم‌هایی که می‌دونم با تیم موردعلاقه‌شون زندگی می‌کنن، از بردش خوشحال می‌شن و با باختش اشک می‌ریزن، آدم‌هایی که می‌دونم با این برد چقدر خوشحال می‌شن و چه حال خوب غریبی پیدا می‌کنن، دوست دارم پرسپولیس ببره.»، «خانم ۸۰ ساله همسایه موبایلش را داده به آقای جوان همسایه تا برایش صفحه‌ای را بیاورد که قرار است فوتبال را با گزارش فردوسی‌پور پخش مستقیم کند.»، «مثلاً بشه شبیه اون بازی پرسپولیس - سپاهان، آخرین بازی لیگ هفتم سال ۸۷ که از قضا عادل گزارش کرد، پرسپولیس هم قهرمان شد و آقا کریم خوند: خدا می‌دونه که حقشه»، «به‌عنوان یه استقلالی آرزو می‌کنم امروز یه روز خاطره انگیز بشه برای کل ایران و پرسپولیس قهرمان بشه. مخصوصاً با صدای عادل»، «کاش آقای پرسپولیس بدونه، فینال چه جام بگیره چه نگیره، بازم هوادارشم. تا اَبد»، «این سری هم نذر کردم اگه قهرمان بشیم ۱۰ میلیون تومن غذای گرم واسه کودکای کار تو سطح شهر ببرم»، «بالاخره چند مدل مدار داریم؛ خوش به‌حال فردوسی‌پور که در مدار مردم است...»، «تعداد دنبال کننده‌های صفحه فارسی کنفدراسیون از صفحه اصلی آن بیشتر شد»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

زلزله تهران

ماجرا

زلزله بامداد دیروز در دماوند خیلی‌ها را از خواب بیدار کرد و بلافاصله بعدش از لرزه‌ای که احساس کردند و حس و حال‌شان در صفحات مجازی‌شان نوشتند. زلزله‌های زمستانی نیمه شب و لزوم آموزش و داشتن وسایلی مانند کیف کمک‌های اولیه مسائلی بود که کاربران زیادی به آنها اشاره کردند: «دیشب ساعت ۳:۰۵ نیمه شب می‌تونست همه چی تموم شده باشه! اما خب نشد و صبح فهمیدیم که زنده هستیم. سؤال اینه: ارزشش رو داشت؟ ارزشش رو داره؟»، «گفتن تهران را مه دود گرفته و آلودگی هوا شدیده، آمدیم دماوند، همین الان زلزله آمد.» «قراره این روزای پایان سال ۲۰۲۰ از تو دماوند یه اژدهای بزرگ بیرون بیاد. این زلزله ۴ ریشتری امروز هم به خاطر تکون دستش بوده»، «یه زلزله فقط کم داریم الان»، «چرا همش ساعت ۳ صبح زلزله میاد؟ حداقل ظهر یا عصر بیا»، «نمیدونم چرا دقیقاً دیشب وقتی بارون و رعد و برق شده بود تهران، گفتم امشب زلزله میاد. صبح پا شدم دیدم دماوند زلزله اومده نوستراداموس هم بودیم خبر نداشتیم»، «این یه احتماله و واقعاً معلوم نیست کی پیش بیاد. ممکنه فردا، یه ماه دیگه یا سال بعد این اتفاق بیفته اما با توجه به زلزله بامداد امروز، حداقل جاهای محکم خونتون (مثلث‌های امن) رو مشخص کنید، اگر هم بسته کمک اولیه دارید بذارید دم دست باشه.»، «خدایا چی میشه همیشه دم یلدا زلزله‌ها رو میفرستی؟ خدایا ما رو با زلزله امتحان نکن»، «زلزله ۴ ریشتری در شرق تهران. چرا تو این مدت زلزله فقط سمت شرق تهران و جمعه شب ها میاد؟»، «هربار که زلزله میاد اضطراب من قشنگ در ۱۰ ضرب می‌خوره.»، «رعد و برق دیشب که ریزوند، دم صبم مثکه زلزله اومده، طبیعت اینجوری اسکرین شات میگیره فکر کنم.»، «انقدر که من از زلزله وحشت دارم از کرونا ندارم»، «یه هفته پیش می‌خواستم توئیت بزنم که ایشالا تهران این زمستون رو با خیر و سلامتی بگذرونه اما گفتم تا حالا که اتفاقی نیفتاده و ایشالا هم نمیفته و خیلی احتمالش کمه که مدل بم واسه تهرانم اتفاق بیفته، باتوجه به اینکه تا حالا رفتار زلزله‌ها تحلیل نشده اما زلزله امروز دماوند خیلی نگرانم کرد.»

سلامتی عزیزانمان را فدای دورهم نشینی‌ها نکنیم

یادداشت

اسماعیل آذر
شاعر، استاد دانشگاه و مجری برنامه‌های ادبی

گفته‌اند که روزی ابوسعید ابوالخیر در حجره خویش نشسته بود به تنها. یکی از یاران اندر آمد. پرسید: «شیخ تنهایی؟» شیخ گفت: «نی. اکنون که تو آمدی تنها شدم.» این یکی- دو سطر حکایت بعضی از ما آدم هاست؛ گاهی درون برخی آنقدر بزرگ است که گویی فراتر از یک نفر، بلکه هزار نفر است. آنهایی که اندرونی مملو از عشق و آرامش دارند بنا به ضرورت زمانه‌شان می‌توانند گاهی به دور از جمع، اما به یاد عزیزان خود باشند؛ اگرچه در جمع بودن هم بخشی از ضروریات زندگی است اما نه آنقدر حیاتی که بابتش جان‌مان را به خطر بیندازیم. بنابراین می‌توان به تنهایی شب یلدا را برگزار کرد. به نوبه خود معتقدم اگر این شب یلدا یا نوروز آینده دور هم جمع نشویم هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد؛ جان و سلامتی عزیزانمان اهمیتی فراتر از دلتنگی‌های موقت و فقدان دورهمی‌های این ماه‌ها را دارد. حالا بماند که تکنولوژی‌های ارتباطی هم به یاری‌مان آمده‌اند و می‌توانیم براحتی حتی امشب، شب یلدا، دیداری تصویری یا حتی گفت و شنودی تلفنی با بستگان‌مان داشته باشیم و بخشی از این دلتنگی‌ها را جبران کنیم.

دور هم جمع شدن‌ها حال خوبی به ارمغان می‌آورد اما نه آنقدری که خودمان یا اعضای خانواده‌مان اسیر رفت و آمد به بیمارستان شویم یا از آن بدتر اینکه داغدار عزیزانمان شویم. اما یکی از آیین‌های زیبای یلدا که حتی امکان برپایی اش به تنهایی یا با همان جمع چند نفره خانواده‌مان هم هست تفأل زدن به دیوان حافظ است. البته تفأل زدن در روزگار قدیم تنها خاص دیوان حافظ نبوده و تاریخچه دیرینه‌ای دارد. به‌عنوان مثال اهالی روستایی در خوی رسم جالبی برای تفأل زدن دارند؛ رخت‌های شسته‌شان را روی طناب پهن می‌کنند و صبر می‌کنند تا روز بعد. اگر صبح بیدار شوند و ببینند که یکی از رخت‌ها زمین افتاده مبنا را بر این می‌گذارند که سالی سرد و همراه با یخبندان در پیش دارند. بعضی از همدانی‌ها شیوه دیگری برای تفأل دارند؛ خانواده که کنار هم جمع می‌شوند پارچه می‌آورند؛ هر کسی نیت کرده و سوزنی به پارچه می‌زند. بعد هم یکی از حاضران شعری می‌خواند و آنها که نیت کرده‌اند شعر مذکور را با توجه به نیت خود معنی می‌کنند.

روزهای نوروز هم شکل دیگری از تفأل زدن باب بوده، مردم سر راهی فال گوش می‌نشستند و به صدای اولین رهگذران گوش می‌دادند و شنیده‌ها را خوب یا بد تفأل خود می‌دانستند. تفأل زدن برخاسته از کنجکاوی انسان‌ها و میل آنان به اطلاع از آینده است؛ حالا کاری به درستی یا نادرستی اش ندارم. پیش از آن، ایرانیان مراسم شب یلدا را با برپایی دو سفره برگزار می‌کردند؛ یکی از این دو سفره «میزد» بوده، سفره‌ای مملو از انواع خشکبار. فراهم کردن تنقلات آن کار راحتی هم به حساب نمی‌آمده چراکه به‌عنوان نمونه جمع‌آوری مقداری انجیر خشک نیازمند صرف زمان زیادی بوده است.

سفره دیگر «زو» نام داشته که دربردارنده انواع و اقسام شربت‌ها برای پذیرائی از میهمانان شب یلدا بوده است. آنان دور هم جمع می‌شدند و قصه می‌گفتند تا شب یلدا را بگذرانند و از نحسی اش در امان بمانند. البته آن زمان هنوز بحث تفأل به حافظ در میان نبوده و تفأل زدن به دیوان حافظ متعلق به ۶۰۰ سال اخیر و بعد از اسلام است؛ رسمی که هم تحت تأثیر شخصیت خود حافظ و هم اشعار او که اغلب ماهیتی دینی دارند شکل گرفته است. غزل‌های حافظ به گونه‌ای است که می‌توان معنی‌های مختلفی از آن برداشت کرد و همین مسأله مخاطب را بیشتر به تفأل زدن ترغیب می‌کند، چراکه می‌تواند شعرهای دیوان او را متناسب با نیت خود معنی کند.

با شادباش تولد بانو ثریا قاسمی و مروری بر فیلم «خواستگاری»

بیاموز عمر کوتاه گل را

پیاده‌رو

ارمغان بهداروند
شاعر

دوباره دیدن فیلم‌هایی که در خاطره جمعی ما نفس می‌کشند، نه فقط دوباره دیدن یک فیلم که می‌تواند مرور همه شادی‌ها و غم‌هایی باشد که با معاصرت دارند. مرور آدم‌هایی که از روی دست آنها زندگی را مشق کردیم. مرور سینمایی که به مردم «سلام» می‌کرد و مرور مردمی که در صف‌های سینما خوشحال‌تر به چشم می‌آمدند. «یلدا» از جمله اوقاتی است که این دوباره دیدن‌ها، دلیلی پیدا می‌کنند. درست مثل این «یلدا» که دلم می‌خواست با دوباره دیدن فیلم «خواستگاری»، آرزومند سلامتِ پیرمردها و پیرزن‌هایی باشم که پدر وُ مادر وَ پدربزرگ وُ مادربزرگ صدایشان می‌کنیم و جای خالی خیلی از «خداحافظ گفته‌ها» را یادآوری کرده باشم. خیلی از آدم‌هایی که به دیدن شان می‌گفتیم: «الهی که سایه تون از سر ما کم نشه» اما کرونا مثل کوه روی آرزوهایمان آوار شد.

«خواستگاری» حکایت پیرمرد و پیرزنی است که می‌خواهند به دلخواه خویش و بی‌اجازه از دیگران، در و دیوار زندگی‌شان را رنگ بزنند. هادی اسلامی را جز به این فیلم نمی‌توانم در خاطر بیاورم. پیرمردی که شبیه همه آدم‌هایی است که به‌جرم پیری، به چشم اسقاط دیده می‌شوند. به ثریا قاسمی هر وقت که فکر می‌کنم چشم‌های مظلوم و دلواپسی در خاطرم می‌آید که شبیه همه مادرهایی است که رنج مادر بودن را به شادی فرزند تاب می‌آورند. دو ریش‌سفید و سفیدگیس که می‌خواهند باقی عمر را در کنار هم بگذرانند و همین تصمیم، دستمایه فیلمی می‌شود که هنوز پس از گذشت ۳۰ سال، حرفی برای گفتن دارد؛ حرفی برای ما که گاه به غفلت، از آنها کوتاهی کرده‌ایم و خاطرشان را آزرده‌ایم. خواستگاری شاید به ظاهر هیچ ربطی به این روزهای کرونایی نداشته باشد اما اگر به این جمله که «کرونا بیشتر در کمین پیرمردها و پیرزن‌هاست» توجه کنیم، خود را شبیه فرزندانی خواهیم دید که می‌خواستند به میل خویش، جهان را برای پیرمرد و پیرزنِ فیلم خواستگاری ترسیم کنند. حالا ببینیم با همین جمله چند کلمه‌ای، چند دل را آزرده‌ایم؟ چند پدر و مادر را نادیده گرفته‌ایم؟ چند هادی اسلامی و ثریا قاسمی را رنجانده‌ایم؟ این روزها شاید مرگ، ارزان‌تر از همیشه اتفاق می‌افتد اما انصاف حکم می‌کند که سپر بلای آدم‌هایی باشیم که شاید از اسب افتاده باشند اما از اصل نه! خواستگاری می‌خواهد بگوید: که هر آدمی که نفس می‌کشد حتماً آرزویی به دل دارد که به همان آرزو زنده است و سزاوار نیست که آرزومندان کهنسال را تنها به جرم همین کهنسالی به مرگ همسایه‌تر بدانیم. دوباره دیدن خواستگاری را خاصه در این شب‌ها پیشنهاد می‌دهم که بهانه‌ای باشد تا غنیمت کهنسالان را پاس بداریم و بیاموزیم عمر کوتاه گل را که هر مرگ، می‌تواند جهانی را جهنم کند؛ که هر مرگ می‌تواند از زیبایی‌های زندگی کسر کند؛ که هر مرگ می‌تواند دره‌ای در کنار ما بیافریند که عمیق‌ترین تنهایی‌ها باشد. کرونا بهداشت جسمی را به ما آموخت اما چه ویروسی بایَد به ما بهداشت روانی را بیاموزد. این رنج را کسی با همه دل و جان درک می‌کند که جهانش جهنم شده باشد و در این روزها پیرمرد و پیرزنی نداشته باشد که دل نگرانش باشد...

به‌مناسبت خجسته زادروز عقیله بنی‌هاشم زینب کبری(س)

الگوی فضیلت‌های انسانی

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

صاحبنظران علوم تربیتی از جمله عوامل ماندگاری واستمرار یک مکتب را ارائه الگوهای رفتاری دانسته و آن را مهم‌ترین عامل نفوذ در دل و جان مخاطب برمی شمرند. براین اساس بهترین معرف هر مکتب و اندیشه‌ای، الگوهای رفتاری آن مکتب است. یک مکتب تربیتی هر چند از تعالیم ممتاز و ایده‌آلی برخوردار باشد، مادام که الگویی را به‌عنوان نمونه ارائه نکرده موفقیت چندانی نخواهد داشت. آیین اسلام تنها آیینی است که با ارائه الگوهای کامل به‌همراه دستورالعمل‌ها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم یکدیگر ساخته و آهنگ جاودانگی گرفته است. کلام وحی با توجه به نقش تربیتی الگودرجامعه از آن به‌عنوان دلایل حقانیت دین و حجت دینی یاد کرده و الگوها را میزان سنجش برای آحاد جامعه و عامل تحرک و پویایی افراد و جوامع برشمرده است.

شریعت محمدی(ص) که کامل‌ترین مجموعه آسمانی است و برای هدایت بشریت آمده، در تعالیم خود منظومه‌های اخلاقی و رفتاری بسیاری را معرفی نموده که یکی از آنان حضرت زینب(س) است.

حضرت زینب(س) جامع همه فضایل و کلیه ارزش‌های والاست. بر این اساس بزرگان دین ایشان را شایسته تأسی و الگو دانسته و از وی با الفاظ بسیار شیوایی تجلیل نموده‌اند. محوری‌ترین ویژگی شخصیت حضرت زینب(س)که در جای جای حماسه عاشورا بدان اشاره می‌شود، ظلم ستیزی، صبوری ودرعین حال مهرورزی نسبت به مردم است.

حضرت زینب(س) با اخلاق کریمانه و بزرگوارانه خود از دیگران متمایز می‌شد و بزرگان دین او را با تعابیری همچون:«عصمةالله صغری» و «عقیله بنی هاشم» می ستودند. پنجم جمادی الاول - امروز - مصادف با ولادت آن حضرت است. حضرت زینب درسال ششم هجری در چنین روزی در خانه کوچک علی(ع) و فاطمه(س) متولد شد وپدرش نام «زینب» به معنای زینت پدر را برای وی برگزید. به گواهی تاریخ زینب ستاره درخشانی بود که از هر جهت «زینت» پدر بود. حضرت زینب(س) در کانون تقوا و فضیلت و در محیطی ساده و بی‌آلایش تربیت یافت و عالی‌ترین تعالیم را فرا گرفت و موقعیتی یافت که حتی در مردان عالم کمتر نظیرش را می‌توان دید. یگانه بانویی که نمونه شهامت و دلیری، دانش و بینش، کفایت و خردمندی و قدرت روحی بود.

حضرت زینب(س) در کانون عصمت و طهارت رشد یافت و تا ۵ سالگی در سایه تربیت مادر - حضرت فاطمه(س)- و تا ۳۵ سالگی در کنار پدر - حضرت علی(ع) - درس صبر و فداکاری آموخت و خود را برای روزهای سخت و مصایب بزرگ آماده کرد. آنچنان که خود می‌گفت: «عبرت و فی العین قدی و فی الحلق شجاً» شکیبایی ورزیدم همچون کسی که خاشاک چشمش را پر کرده بود و استخوان راه گلویش را گرفته بود. زندگی حضرت زینب(س) بسیار آموزنده و الهام‌بخش است. آن حضرت در پرحادثه‌ترین دوران تاریخ اسلام زیست و از نزدیک شاهد تحولات پیچیده و پردامنه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) بود. از این‌رو در قامت یک قهرمان تاریخ، حماسه عاشورا را استمرار بخشید و با صلابتی ستودنی آنچنان که شایسته دختر علی(ع) بود مظلومیت و حقانیت نهضت عاشورا را از گردنه‌های تردید و تزویر، دروغ و ریا و انحراف عبور داد و در بستر تاریخ استمرار بخشید.

به نام تاریخ

■ ۳۰ آذر

آخرین روز پاییز با تولد و درگذشت چهره‌های شاخصی در هنر و فرهنگ همراه شده است؛ چهره‌هایی که به این بهانه آثارشان را مرور می‌کنیم.

■ **تولدها**

حمیده خیرآبادی: مادر سینمای ایران اگر زنده بود امروز ۹۶ ساله می‌شد. حمیده خیرآبادی از سال ۱۳۲۶ کار در تئاتر را آغاز کرد و در سال ۱۳۲۲ با بازی در فیلم «میهن پرست» وارد سینما شد. او در دوران موج نوی سینمای ایران در دهه ۴۰ شمسی با کارگردانان مطرحی مانند داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی و علی حاتمی همکاری کرد و «طوقی»، «رضا موتوری»، «اجاره نشین‌ها»، «زرد قناری»، «هنرپیشه»، «مادر»، «ریحانه»، «روز واقعه»، «بانو» و «شیرین» از مطرح‌ترین کارهایش هستند. خیرآبادی در سریال‌های زیادی هم بازی کرد که «این خانه دور است»، «آپارتمان»، «پدرسالار»، «خانه سبز»، «دردسر والدین» و «سفر سبز» از به یادماندنی‌ترین آنها هستند. خیرآبادی با بازی در بیش از ۱۵۰ فیلم و سریال رکورددار حضور در پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی است. او سال ۱۳۸۹ درگذشت.

پشنگ کامکار: نوازنده سنتور و از اعضای گروه کامکارها سال ۱۳۳۰ در چنین روزی به دنیا آمد. پشنگ کامکار از ۱۰ سالگی نواختن سنتور را یاد گرفت و ردیف‌های ابوالحسن صبا را از پدرش آموخت و سال ۱۳۵۵ همراه پرویز مشکاتیان در آزمون سراسری باربد که نخستین کنکور موسیقی ایران بود مقام نخست سنتورنوازی را به دست آورد. او از بنیانگذاران گروه شیدا است و اولین تک نوازی اش را هم با این گروه همراه محمدرضا شجریان و محمدرضا لطفی در کاری به‌نام «به یاد عارف» انجام داد. او در آلبوم‌هایی مانند «گلگشت»، «به یاد صبا»، «بارانه»، «فراق»، «گل به دامن»، «شورم را»، «بی گاهان» و «جهان گذران» به‌عنوان نوازنده سنتور حضور داشته است.

● سالروز تولد **لاله اسکندری** بازیگر، **حسین صفا** ترانه سرا، **عزیز نسین** نویسنده ترکیه‌ای، **نیکلاس سانسون** سفرنامه نویس فرانسوی، **عباس احمدی** شاعر، **امین فقیری** داستان نویس و **ساسان ناطق** داستان نویس هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

مرتضی احمدی: بازیگر و صداپیشه مشهور ایران سال ۱۳۹۳ در چنین روزی درگذشت. مرتضی احمدی متولد ۱۳۰۳ بود و پس از چند سال فعالیت در گروه‌های تئاتر آماتوری در سال ۱۳۲۱ همراه دوستانش تماشاخانه ماه را تأسیس کرد. یک سال بعد برای اولین بار در تئاتر فرهنگ پیش پرده خوانی کرد و برای اولین بار به سبک بیات تهران پیش پرده‌ها را خواند و مورد توجه قرار گرفت. احمدی از سال ۱۳۲۳ به رادیو رفت تا برنامه‌های کمدی اجرا کند و سال ۱۳۵۶ در سریال رادیویی و کمدی «هردمبیل» بازی کرد و همان سال در نظرسنجی از مردم به‌عنوان محبوب‌ترین بازیگر رادیو انتخاب شد. سال ۱۳۴۹ به دعوت علی حاتمی ترانه عنوان‌بندی فیلم «حسن کچل» را اجرا کرد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. او در سال‌های فعالیتش در فیلم‌های «باباشمل»، «قلندر»، «ذبیح»، «خانه خراب»، «مردی که زیاد می‌دانست»، «اتوبوس»، «جدال در تاسوکی»، «خانه خلوت»، «ناصرالدین شاه آکتور سینما»، «یک بار برای همیشه»، «تحفه هند»، «کلاه قرمزی و پسرخاله» و «ستاره‌ها ۳» و سریال‌های «سلطان صاحبقران»، «آیینه»، «آرایشگاه زیبا»، «تعطیلات نوروزی»، «فروشگاه»، «زیر بازارچه» و «خانه پدری» بازی کرد. صدای مرتضی احمدی در پروژه ۴۸ داستان و کارتون‌هایی مانند «پینوکیو» و در نقش روباه مکار و «ماجراهای علاءالدین» ماندگار شد.

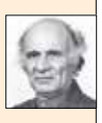

جلیل ضیاپور: پدر نقاشی مدرن ایران سال ۱۳۷۸ در چنین روزی درگذشت. جلیل ضیاپور متولد ۱۲۹۹ بود و ابتدا در هنرستان موسیقی رشته آهنگسازی را خواند و پس از آن برای آشنایی با هنرهای سنتی وارد مدرسه صنایع مستظرفه شد. در سال ۱۳۲۰ به دانشکده هنرهای زیبا رفت و بعد در فرانسه تحصیل در رشته هنرهای تجسمی را ادامه داد. پس از بازگشت به ایران و در سال ۱۳۲۸ انجمن هنری «خروس جنگی» را که پیشرو در زمینه طرح‌های هنر نو بود پایه‌گذاری کرد و در نقاشی از ابتدا به‌عنوان هنرمند نوگرا شناخته می‌شد. کارهای ضیاپور هم مضامین اصیل ایرانی را داشتند و هم از خطوط هندسی کوبیسم بهره می‌بردند و تابلوهای «مسجد سپهسالار»، «آناهیتا»، «دختر ترکمن»، «چادرنشینان»، «زندگی من» و «مهشا» از آثار شاخص او هستند. از ضیاپور کتاب‌های «هنر پیکرتراشی در ایران»، «پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان»، «تاریخ هنر عمومی شرق»، «پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان»، «پنجاه سال هنر تجسمی ایران معاصر» و «تاریخ مختصر هنر ایران و جهان» به جا مانده است.

جان اشتاین بک: نویسنده امریکایی داستان‌های مشهوری مانند «خوشه‌های خشم» سال ۱۹۶۸ درگذشت. جان اشتاین بک سال ۱۹۰۲ به دنیا آمد و ابتدا خبرنگاری می‌کرد اما پس از مدتی کارگری با مشکلات کارگران بیشتر آشنا شد و نخستین اثرش را با نام «جام زرین» در سال ۱۹۲۹ درباره مشکلات کارگران نوشت؛ نگاهی که در سایر آثارش مانند «موش‌ها و آدم ها»، «خوشه‌های خشم»، «راسته کنسروسازی»، «اتوبوس سرگردان» و «شرق بهشت» ادامه یافت. او سال ۱۹۳۹ برای «شرق بهشت» برنده جایزه پولیتزر شد و سال ۱۹۶۲ جایزه نوبل ادبیات را برد.

عکس نوشت

موزه اسکار قرار بود ۳۰ آوریل افتتاح شود اما به‌دلیل تداوم بحران شیوع کرونا، بار دیگر به تعویق افتاد و با توجه به نرخ تصاعدی ابتلا به کرونا در لس آنجلس، درهای این مجموعه از ۳۰ سپتامبر (۸ مهر ۱۴۰۰) به روی بازدیدکنندگان باز می‌شود. موزه آکادمی علوم و هنرهای سینما (اسکار) به جادوی فیلم‌ها اختصاص دارد و قرار است وسایلی مانند کفش‌های یاقوتی جودی گارلند در فیلم «جادوگر شهر اُز» و شنل «دراکولا» در آن به نمایش دربیاید.